

دختران جوان و اوقات فراغت

اوقات فراغت پیوند تنگاتنگی با شخصیت و زندگی معنوی و فرهنگی افراد دارد، چرا که از سویی از فرهنگ جامعه تأثیر می‌گیرد و از سویی دیگر، بر آن تأثیر می‌گذارد. در گذران اوقات فراغت، گروه سنی، طبقه اجتماعی - اقتصادی، گرایش مذهبی و جنسیت سبب مرزبندی و ایجاد تفاوت بین گروه‌های مختلف می‌شود و در این میان، سن و جنسیت بر نحوه گذران اوقات فراغت تأثیر مهمی بر جای می‌گذارند. با توجه به جوان بودن جمعیت جامعه ما، در مورد قشر جوان، جنبه‌های آسیب‌شناختی فراغت اهمیت زیادی دارد. در جامعه مذ مسئله عمده‌ای که در مورد رفتارهای فراغتی دختران نوجوان وجود دارد، کمبود فضاها و تسهیلات فراغتی مناسب از یک سو و ورود ارزش‌ها و نگرش‌های مدرن غربی، از سوی دیگر است این نگرش‌ها اگر چه با نگرش‌های جنسیتی سنتی معایرت دارد، اما اغلب متأثر از مادی‌نگری، فردگرایی و لذت‌جویی است که تضاد عمیقی با فرهنگ ملی و دینی ما دارد و بیشتر از طریق رسانه‌های گروهی رواج می‌یابد. از این گذشته، دختران در مقایسه با پسران از منابع مادی و فرهنگی و فضاهای فراغتی کمتری برخوردارند و قیودات و الزامات بیشتری نیز متوجه آنهاست. اگرچه پسران جوان هم دچار تعارض‌های ارزشی و آسیب‌های فراغتی هستند، اما به نظر می‌رسد این مسئله در دختران جوان دامنه و تبعات گسترده‌تری دارد. در مقاله حاضر، مسائل فراغتی دختران جوان و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در آن را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌ایم.

واژگان کلیدی: اوقات فراغت، فضاهای فراغتی، آسیب‌های فراغتی، فراغت تظاهری، کالایی شدن فراغت، صنعت فرهنگ، جنسیت، مصرف‌گرایی، ارزش‌ها و نگرش‌ها، ساختار خانواده

مریم رفعت‌جاه
استادیار گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران

m_rafatjah@yahoo.com

مفهوم اوقات فراغت در برابر کار روزمره و مشغله‌هایی که اغلب عامل خستگی است، به کار می‌رود و تعریف و تبیین آن به گشایش شاخه‌های جدیدی از علوم اجتماعی با عنوان «جامعه‌شناسی اوقات فراغت» و «انسان‌شناسی اوقات فراغت» انجامیده است. تمام پژوهشگران درباره اینکه اصولاً زمان فراغت خاص جوامع صنعتی است، هم‌عقیده نیستند و برخی از آنها بر این باورند که زمان فراغت در تمام مراحل تاریخی زندگی بشر وجود داشته و خاص زمان مشخصی نیست و اوقات فراغت را پدیده‌ای قدیمی می‌دانند؛ اما عده‌ای نیز معتقدند فراغت (Leisure) و نحوه گذران آن از مباحثی است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، توجه صاحب‌نظران عرصه علوم اجتماعی از جمله جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان را برانگیخته و به موضوعی مهم بدل شده است. بررسی نحوه گذران اوقات فراغت و عوامل مؤثر بر این موضوع جزء مسائل حوزه جامعه‌شناسی است که به طور نمونه گذران اوقات فراغت در کلان شهری نظیر تهران به عوامل متعددی وابسته است.

ژورنال علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این کلان شهر با تغییرات ارزشی و تغییر در سبک زندگی، شاهد تغییر در رفتارهای فراغتی هستیم. این تغییرات را با توسل به ترکیبی از عوامل روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی می‌توان تبیین کرد. رفتارهای فراغتی دختران در این کلان شهر بیشتر تحت تأثیر ارزش‌ها و نگرش‌های غربی مبتنی بر مادی‌گرایی و فردگرایی است که تضاد عمیقی با فرهنگ ایرانی و دینی دختران دارد. دختران در مقایسه با پسران، با منابع مادی و فرهنگی و فضاهای فراغتی و توجهات کمتر و قیودات و الزامات بیشتری مواجه‌اند اگرچه پسران جوان نیز دچار شکاف نسلی و تضادهای ارزشی و آسیب‌های فراغتی هستند، اما این مسئله در دختران جوان، دامنه و تبعات گسترده‌تری دارد و نیازمند مطالعات و تحقیقات علمی است. در این نوشتار برای تحلیل مسائل فراغتی دختران جوان و شناسایی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر در آن، ابتدا نظریه‌های جامعه‌شناختی فراغت و پژوهش‌های مرتبط با موضوع، مطرح و سپس اوقات فراغت دختران بررسی و تبیین شده است.

۱- نظریه‌های اوقات فراغت

از آنجا که مفهوم فراغت دارای معانی متعدد است، جا دارد پیش از شرح برخی از نظریه‌های مهم مربوط به آن، خود این مفهوم را مورد واکاوی قرار دهیم. فراغت را گاه در معنای زمان آزاد به کار برده‌اند و گاه به معنای فعالیت‌های آزادانه و دلخواه در نظر گرفته‌اند. دومایزه با توجه به گوناگونی معنای فراغت و فعالیت‌های فراغتی، سه کارکرد برای اوقات فراغت برشمرده است:

الف) اولین هدف و کارکرد اوقات فراغت، استراحت و رفع خستگی است. فراغت این فرصت را به آدمی می‌دهد که خستگی کار را از تن خود بیرون کند زیرا این خستگی مطلق آهنگ طبیعی زیست‌شناسانه انسان به وی تحمیل می‌شود.

ب) کارکرد دیگر اوقات فراغت، تفریح و سرگرمی است. تفریح، دنیایی تازه - چه واقعی و چه خیالی - در برابر آدمی می‌گشاید که آدمی می‌تواند از خستگی روزانه ناشی از انجام یک رشته فعالیت محدود و تکراری به سوی آن فرار کند.

ج) فراغت به فرد امکان رشد و خودشکوفایی می‌دهد و برای فرد فرصتی فراهم می‌کند تا کارهای تکراری را که از سوی نهادهای اجتماعی بر وی تحمیل می‌شود، پشت سر گذارد و به حوزه‌ای با نهد که در آن نیروهای آفریننده‌اش، آزادانه بتوانند با ارزش‌های مسلط تمدنش به مخالفت برخیزند یا آنها را تقویت کنند.

فراغتی که نتواند این سه کارکرد را در هر زمان فراهم کند، فراغتی است که در جمله امرورین از حیث نیازهای شخصیت انسان ناقص تلقی می‌شود. (دبمازیه، ۱۳۵۲: ش ۱۲، ص ۱۹)

علاوه بر کارکردهای یاد شده، یکی از مهم‌ترین کارکردهای اوقات فراغت را رشد «فکری و فرهنگی» دانست‌اند. کارکرد فکری و فرهنگی، تنها کارکردی است که با تمام کارکردهای دیگر اوقات فراغت، رابطه متقابل و نزدیک و تفکیک‌ناپذیر دارد. (کوهستانی و خلیل‌زاده، ۱۳۷۸: ۶۸-۶۷)

۱-۱- فراغت از دیدگاه تورستان وبلن

«تورستان وبلن» (Torstein Veblen) را می‌توان پیشگام نظریه‌پردازی اوقات فراغت دانست. از نظر وی حرمت نفس (self-esteem) بازتاب حرمتی است که دیگران برای انسان قائل می‌شوند. بنابراین اگر شخص به دلیل عدم توفیق در کوشش‌های رقابت‌آمیز مورد پسند جامعه، چنین حرمتی را به دست نیاورد، از فقدان حرمت نفس رنج خواهد برد. بنابراین انگیزه تلاش وقفه‌ناپذیر در یک فرهنگ رقابت‌آمیز، در هراس از دست دادن حرمت نفس ریشه دارد. در یک فرهنگ رقابتی که ارزش انسان‌ها در مقایسه با ارزش دیگران سنجیده می‌شود، هر کسی در تلاش است که از همسایگانش پیشی گیرد. به محض اینکه شخص به تنعم‌های تازه‌ای دست

می‌یابد و به معیار ثروت نوینی خو می‌گیرد، این معیار تازه نیز مانند معیارهای پیشین، دیگر قادر به ارضای کافی شخص نخواهد بود. هدف این انباشتگی ثروت، در مقایسه با قدرت پولی بقیه افراد اجتماع تعیین می‌شود. هر فردی، تا وقتی در مقایسه با دیگران احساس کمبود کند، پیوسته در ناخشنودی شدید از نصیب کنونی‌اش به سر خواهد برد؛ اما وقتی که شخص به معیار متعارف قدرت مالی یا به طبقه دلخواهش رسید، تازه آن ناخشنودی شدید جایش را به این توقع بیقرارانه می‌دهد که فاصله قدرت مالی خودش را با متوسط قدرت مالی اجتماعش زیادتر کند. (کیزر، ۱۳۸۰: ۳۶۲-۳۶۱)

از نظر ویلن، مصرف چشمگیر، فراغت چشمگیر (تظاهری) و نمایش چشمگیر، نمادهای بلندپایگی و وسایلی هستند که انسان‌ها تلاش می‌کنند تا با آنها در چشم همسایگان‌شان برتر جلوه کنند و بدان وسیله برای خودشان نیز ارزش بیشتری قایل شوند. آداب و روش‌های زندگی اشراف‌منشانه با ضابطه فراغت و مصرف چشمگیر سازگاری دارند. مصرف و فراغت چشمگیر، لزوماً منحصر به افرادی نیست که برای دستیابی به مقام بلند با دیگران رقابت می‌کنند. این نوع سبک زندگی را اشخاص وابسته به رئیس خانواده، مثل همسران و خدمتگزاران هم می‌توانند برای بالا بردن منزلت سرورانشان به نمایش گذارند. (همان: ۳۶۲)

به نظر ویلن، مصرف چشمگیر و سبک زندگی مبتنی بر رفاه و فراغت بیشتر، سراسر ساختار اجتماعی را فرا گرفته است. بنابراین، در یک فرهنگ رقابت‌آمیز، افراد طبقات پایین‌تر تلاش می‌کنند تا با الگو قرار دادن سبک زندگی و فراغت طبقه بالاتر، به احترام و منزلت اجتماعی بیشتری دست یابند.

۱-۲- فراغت از دیدگاه نظریه پردازان مکتب فرانکفورت

از نظر فرانکفورتی‌ها علی‌رغم افزایش ظاهری آزادی انتخاب در جوامع سرمایه‌داری، در واقع سلطه فرهنگی و روابط محاسبه‌گرایانه و سودجویانه افزایش یافته است. آزادی و افزایش اوقات فراغت نوهی بیش نیست؛ زیرا مردم در جامعه سرمایه‌داری تحت تسلط «صنعت فرهنگ» و «نیازهای فرهنگی ساختگی» قرار دارند. اوقات فراغت به صورت کالا بسته‌بندی می‌شود و تحویل بازارهای پرمشتری می‌گردد. از نظر صاحب‌نظران این دیدگاه، آزادی انتخابی که از طریق بازارهای اوقات فراغت ارائه می‌شود، به هیچ وجه حق انتخاب به شمار نمی‌آید. در واقع، افراد در دام ایدئولوژی مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری گرفتار آمده‌اند. مارکوزه (Marcuse)، آدورنو (Adorno) و هورکهایمر (Horkheimer)، صنعت فرهنگ سرمایه‌داری (وسایل ارتباط جمعی و فرهنگ توده‌ای) را مورد انتقاد قرار می‌دهند و معتقدند دولت مانع فراغت و آزادی و باعث کم ارزش شدن فرهنگ می‌شود. این دیدگاه، اوقات فراغت را ابزاری برای سلطه بیشتر می‌شمارد

جنسیت در ارتباط است. (Green, 1990: 136)

کلارک و کریچر (Clark & Critcher) نیز تأثیر جنسیت در گزینش فرصت‌ها و اوقات فراغت را مورد توجه قرار می‌دهند و تفاوت در فراغت دو جنس را به صورت زیر مطرح می‌کنند: «زنان وقت کمتری برای اوقات فراغت دارند. در بیشتر فعالیت‌های فراغتی، کمتر شرکت می‌جویند و دامنه گزینه‌های فراغتی آنان محدودتر است. همچنین آنان بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و خانواده می‌گذرانند».

در هر سه عامل کلیدی مذکور، یعنی وقت، فعالیت و فضا، زنان وضعیت نامساعدی دارند: وقت زنان برای فراغت محدود است. فضاهای فیزیکی و اجتماعی که در آن می‌توانند به فعالیت‌های فراغتی بپردازند، محدود است و در واقع گزینه‌های فراغتی آنان محدود است. (همان ۱۹۲-۱۹۰)

برای مثال در مورد فضا، تعداد مؤسساتی که زنان می‌توانند آزادانه به آنها مراجعه کنند، بسیار کمتر از موارد مشابه برای مردان است. استانی و گرگوری اشاره می‌کنند که یکی از عوامل محدودیت فضایی برای زنان، ترس از مورد آزار قرار گرفتن است. زنان حتی در مورد دسترسی به وسایل حمل و نقل خصوصی، با محدودیت‌های مرتبط با فضا روبرو هستند. فضاهای فراغتی مانند مراکز ورزشی و تفریحی نیز تحت نظارت مردان قرار دارند. محدودیت‌های فضایی - زمانی، طیف گزینش فعالیت‌های فراغت زنان را بسیار محدود می‌کند، البته به این عوامل، عامل مادی را هم باید افزود. بسیاری از دختران و زنان معمولاً از لحاظ «درآمد قابل مصرف» به مردان خانواده وابسته‌اند.

در مورد برخی از فعالیت‌های فراغتی مثل رفتن به سینما، تئاتر و مناطق بیلاقی یا پارک یا کنار دریا، مردان و زنان، تفاوت کمی نشان می‌دهند، اما غالب فعالیت‌های ورزشی به استثنای کلاس‌های تناسب اندام، یوگا و نرمش‌های هوازی، تحت تسلط مردان قرار دارد. مسئله اساسی‌تر در اینجا، انگاره‌های خود زنان از ورزش است. شرکت یا عدم شرکت زنان در ورزش و گزینش نوع ورزش، بستگی به انگاره زنان از رفتار مناسب «زنانه» دارد. به همان سان، گزینش مردان نیز، تحت تأثیر انگاره‌های رفتار مناسب مردانه قرار دارد. باورهای جنسیتی در گرایش و مبادرت زنان به فعالیت‌های ورزشی تأثیر زیادی دارد. معمولاً ورزش‌های زنانه آنهایی است که جنبه «زیبایی شناختی» دارد و با ذهنیت زنانگی مغایرتی ندارد. (هی وود و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۹۶-۱۹۴)

از نظر تاریخی، پسران بیشتر به فعالیت‌های ورزشی تمایل نشان می‌دهند، چرا که به لحاظ شرایط اجتماعی، برای فعالیت‌های ورزشی پسران فرصت و بهای بیشتری صرف می‌شود و در نتیجه دختران انگیزه کمتری برای پرداختن به فعالیت‌های ورزشی خواهند داشت. در دوران نوجوانی، طول قد و وزن دختران افزایش می‌یابد. اندازه استخوان‌ها و عضلات بزرگ‌تر می‌شود

و میزان قدرت بدنی افزایش پیدا می‌کند، ولی این تغییرات با بالا بردن سطح مهارت، افزایش قدرت، استقامت، اندازه جثه، جابجی و هماهنگی حرکات همراه نیست و حتی گاهی اوقات در این سن اثر افزایش وزن و نیز عوامل فرهنگی از درجه مهارت‌های حرکتی دختران می‌کاهد. این امر در جوامعی که به دلیل فرهنگ خاص خود فرصت‌های یکسان برای ورزش زنان و مردان فراهم نمی‌کنند، بیشتر محسوس است. (همان منبع)

۱-۴- پیر بردیو و جایگاه سبک زندگی در اوقات فراغت

وی طی دوره‌های بیست ساله تحقیقاتی درباره فعلیت‌های اوقات فراغت و سبک‌های زندگی انجام داد تا نشان دهد در نظام‌های سلطه، چگونه نابرابری‌های مبتنی بر طبقه پایدار می‌ماند. اگرچه بسیاری از تفاوت‌های مربوط به نحوه گذران اوقات فراغت ربطی به طبقه اجتماعی - اقتصادی ندارد، اما بردیو معتقد است که پرورش شخص در خانواده و طبقه‌های خاص، بر انتخاب اوقات فراغت او بسیار تأثیرگذار است. از نظر وی، علاقی و سلیقه‌ها، خواسته‌ها و برداشت‌های مربوط به فعالیت‌های فراغت، در دوران کودکی و در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود. (هی وود و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۵۶ - ۳۵۵)

مطابق دیدگاه بردیو در «نظریه تجربه»، تجربه‌های دوران کودکی منجر به «ترکیب و شکل‌گیری منش» می‌شود. این ترکیب «نظامی از حالات و خواسته‌های قابل انتقال» است که به عنوان مجموعه‌ای از ادراک‌ها، سلیقه‌ها، علایق، احساسات و کنش‌ها عمل می‌کند و راهی برای درک جهان و تمییز فعالیت‌های مناسب و نامناسب است. «خواسته‌های قابل انتقال» یعنی در هر کدام از فعالیت‌های اوقات فراغت، سلیقه‌ها و علایق، وابسته به سلیقه‌ها و علایقی است که در مورد همه فعالیت‌های دیگر به ظهور می‌رسد. «ترکیب منش» مطابق «منطق تجربه» عمل می‌کند و از آنجا که از اوایل کودکی در ذهن قرار گرفته، با طور ناخودآگاه عمل می‌نماید و نمی‌توان چیزی را به صورت کامل جایگزین آن کرد بنابراین، «شرایط وجودی»، آن دسته از شرایط خانوادگی و طبقاتی است که شخص در آنها به دنیا می‌آید و منجر به مجموعه‌ای از موارد «شرطی‌سازی» می‌شود و به سیستمی از خواسته‌ها (منطق تجربه) تبدیل می‌گردد. این حالت از نظر بردیو، بنیادی است که سبک زندگی و فراغت بر پایه آن شکل می‌گیرد. همان «منطق تجربه»، به طور ناخودآگاه در تمام سلیقه‌ها و علایق و فعالیت‌های فراغتی، از ورزش و هنر گرفته تا عضویت باشگاه‌ها و انجمن‌ها و رفتن به مسافرت در ایام تعطیل و فعالیت‌های غیررسمی، مانند استفاده از برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی و فراغت‌های خانه - محور، عمل می‌کند. البته احتمال دارد که سلیقه‌ها و فعالیت‌ها طی تجربیات بدی، تغییر یابد، ولی از نظر بردیو، چنین گزینه‌ای بر طبق منطق ساختاری «ترکیب منش» عمل می‌کند.

«منش» (habitus) دارای شالوده‌ای است که تمام گزینه‌های فراغت بر آن بنا نهاده شده و افراد از طریق شکل گرفتن «منش» به طیفی از «شایستگی‌های فرهنگی» یا «سرمایه فرهنگی» دست می‌یابند که انواع خاصی از فعالیت‌های اوقات فراغت را کم و بیش در اختیارشان قرار می‌دهد یا امکان‌پذیر می‌سازد. بورديو بر اساس همین فرضیه تجربی، چگونگی عملکرد گزینه‌ها در فراغت را توضیح می‌دهد به بیان وی، فعالیت‌های فراغت، در واقع «حوزه‌ای از امکانات وابسته به شایستگی‌های فرهنگی» است. در این حوزه، انواع گوناگون فعالیت‌های فراغت و فضاهای مختلف (اعم از باشگاه‌های خصوصی یا تسهیلات عمومی) و رویکردهای گوناگونی که فرد احتمالاً ممکن است بپذیرد، یافت می‌شود. همه اینها به شخص امکان انتخاب می‌دهد و البته این گزینه‌ها بستگی به شرایط ویژه‌ای دارد که در اختیار شخص است. از طرف دیگر، اهمیت فعالیت‌ها، فضاها و شیوه‌های خاص، وابسته به «توزیع» اجتماعی آنهاست؛ به این معنا که افراد، انتخاب‌های خود را با توجه به آگاهی‌هایی که در مورد گزینه‌های سایر افراد دارند، انجام می‌دهند. بعضی فعالیت‌ها، شیوه‌ها و فضاها به آسانی قابل دسترس و «متعارف» اند، در حالی که بعضی دیگر به علت کمیابی، گرانبها، متمایز و به نسبت غیر قابل دسترس‌اند. غیر قابل دسترس بودن، هم مربوط به عوامل مادی و هم مربوط به شایستگی‌های ویژه و مورد نیاز آنهاست. بنابراین ممکن است دو فعالیت متفاوت مثل رفتن به تئاتر و موزه یا رفتن به مسابقه فوتبال، الزاماً از نظر هزینه متفاوت نباشند، ولی متمایز بودن فعالیت‌ها، مربوط به شایستگی فرهنگی لازم برای درک و انتخاب آن باشد از این رو طرفداری از تئاتر، نشانه تمایز بین عالی، پیش پا افتاده و معمولی است. (همان: ۳۵۸-۳۵۶)

نظریه تجربه و توضیح در مورد پویایی‌های گزینش اوقات فراغت که اساس نظر بورديو است، به طور خلاصه بدین شرح است:

- ۱- افراد با توجه به تجربیات اوان زندگی خویش، خواست‌های ویژه و متفاوتی پیدا می‌کنند که بعدها به برداشت، سلیقه و علاقه تبدیل می‌گردد.
- ۲- این خواست‌ها قابلیت نقل مکان دارد؛ یعنی در تمام اشکال فعالیت فراغت و مصرف‌گرایی خودنمایی می‌کند.
- ۳- افراد از نظر برداشتی که از فراغت و از فعالیت‌های فراغتی دارند با همدیگر متفاوت‌اند.
- ۴- سبک‌ها و فعالیت‌های گوناگون نیاز به انواع متفاوتی از شایستگی فرهنگی دارد.
- ۵- اهمیت فعالیت‌ها، فضاها و سبک‌های خاص فراغت به نحوه توزیع آنها در بین گروه‌های مختلف اجتماعی بستگی دارد.
- ۶- گزینه‌های فراغت از این اهمیت توزیعی سرچشمه می‌گیرد که علایق و سلیقه‌ها،

۱-۵- اوقات فراغت از منظر مطالعات فرهنگی

یکی از موضوعاتی که در رشته نوپای مطالعات فرهنگی بسیار مورد توجه است، فرهنگ عامه به عنوان یکی از عرصه‌های سلطه و مقاومت در زندگی روزمره است. در این نظرگاه، فرهنگ عامه به صحنه‌ای برای مبارزه تبدیل شده است؛ «مبارزه قدرت بر سر معنای‌ای که در جامعه شکل گرفته و منشر می‌شود». در این دیدگاه در نظر گرفتن فرهنگ عامه به عنوان فرهنگی که در خدمت نظام‌های سرمایه‌داری و پدرسالاری است و در توده‌ها یک «هوشیاری کاذب» به وجود می‌آورد، کافی نیست. فرهنگ عامه را می‌توان در عین حال صحنه‌ای تلقی کرد که در آن، ایدئولوژی‌های حاکم به چالش طلبیده می‌شوند. بین سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان، کارگردانان و بازیگران، ناشران و نویسندگان و خوانندگان، سرمایه‌داران و کارگران، زنان و مردان، طرفداران آزادی انتخاب در حیطه جنسیت و سالخورده‌گان و جوانان، بر سر اینکه چیزها چه معنایی ای دارند و مقصود چیست، مبارزه و جالشی دائمی برای غلبه وجود دارد. (استریناتی، ۱۳۸۴: ۲۸۴)

در فرهنگ عامه، تمرکز اولیه بر نقش حاشیه‌ای زنان در تولید فرهنگی و در نتیجه نادیده گرفتن نقش‌های واقعی، نیازها و منافع آنان است. در عرصه فرهنگ عامه، دختران و زنان در حوزه اجتماعی یا حضور ندارند یا به صورت قشری نشان داده می‌شوند که فعالیت‌هایشان بر پایه جذابیت جنسی و انجام وظایف خانگی شکل گرفته است. تصویر فرهنگی زنان در رسانه‌های جمعی در جهت تقویت مفاهیم پذیرفته شده درباره زنانگی و مردانگی قرار دارد. در واقع رسانه‌ها با «فنا‌ی نمادین زنان» این ایده را انتقال می‌دهند که زنان باید در نقش دلبر، همسر، مادر و کدبلو ظاهر شوند. «بازتولید فرهنگی، نحوه ایفای این نقش‌ها را به زنان می‌آموزد و سعی می‌کند آن را در نظر زنان طبیعی جلوه دهد». (همان: ۲۴۲)

جامعه کنونی را جامعه مصرفی نامیده‌اند. با این حال افزایش امکانات مصرفی، منجر به رفاه، آسایش و آرامش بیشتر نشده است. امروزه مصرف راهی برای نشان دادن تمایز و تشخیص اجتماعی و نیز کسب منزلت و نشان دادن موقعیت اجتماعی است. زیرا ارزش‌های تولیدی جای خود را به ارزش‌های مصرفی داده‌اند. در این بین، مهم‌ترین عامل این تغییرات، دگرگونی نوع نگرش انسان‌ها به زندگی و به خودشان، دگرگونی ارزش‌ها و الگوها و اهمیت یافتن وجوه مادی زندگی است. بنابراین، با حاکم شدن تفکر فردگرایانه، جستجوی لذت، آسایش و تفریح از اولویت‌های مردم معاصر است. امروزه هویت و سرگرمی مردم به مصرف و خرید پیوند خورده است و در نتیجه خرید و مصرف کالاها بیشتر، تضمین‌کننده سعادت دانسته می‌شود. نقشی که زنان جامعه ما در مدیریت مصرف خانه و اجتماعی کردن کودکان دارند، اهمیت آنها

را در رواج دادن خرید و مصرف بهینه دوچندان می‌کند. با گسترش فرهنگ مصرفی و افتادن مسئولیت خرید اقلام مصرفی خانواده بر دوش زن، خرید تفننی به عنوان فعالیتی فراغتی، مطلوب زنان می‌شود، زیرا فرصتی برای خروج از خانه و حضور در مکان‌های امن عمومی، در اختیار آنها می‌گذارد. در جامعه مصرفی، زنان هم وسیله تبلیغ‌اند و هم هدف آن. آنها موجوداتی وابسته و مصرفی نمایانده می‌شوند که کاری جز خرج کردن پول مردان ندارند، آن هم برای مصارف غیرضروری و تجملی از پوشاک و زینت گرفته تا وسائل خانه. نارضایتی از انجام کارهای تکراری و روزمره و نیز محدود بودن دانش و بینش دختران و زنان، آنها را به تبعیت از مدها و خریدهای غیر ضروری سوق می‌دهد و این تصور را ایجاد می‌کند که بدین وسیله از روزمرگی و کسالت زندگی می‌کاهند و به هویت ارزشمندی دست می‌یابند؛ در صورتی که نه تنها رضایت حاصل نمی‌شود، بلکه نیازهای خرید نیز روز به روز بیشتر می‌شود. واقعیت آن است که پیام‌های رسانه‌های جمعی و به ویژه تلویزیون ما در بسیاری از موارد با نگرش فرهنگی و دینی مغایر است.

در زمینه آسیب‌زایی اوقات فراغت، علاوه بر خانواده، رسانه‌ها و نهادهای ذیربط نیز تأثیر بسزایی دارند؛ به این ترتیب که نهادهای ذیربط با ایجاد تسهیلات لازم در زمینه اوقات فراغت جوانان، می‌توانند محیط‌های آزاد و امن را برای دختران جوان به وجود آورند تا ضمن تأمین اطمینان و آرامش والدین، دختر جوان بتواند در محیطی امن با دوستان و همسالان خود معاشرت نموده و اوقات فراغت مفرح و پرباری داشته باشد.

۲- پژوهش‌های مرتبط با اوقات فراغت دختران جوان در ایران

در مورد اوقات فراغت جوانان ایرانی در دهه ۱۳۷۰ در سازمان ملی جوانان تحقیقاتی انجام گرفته که جنبه توصیفی و تطبیقی دارد. از این رو مرور نتایج آن می‌تواند علائق و فعالیت‌ها و مسائل فراغتی دختران و پسران را آشکار سازد. از جمله در سال ۱۳۷۵ در معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی پژوهشی سازمان ملی جوانان، پژوهشی با عنوان «چگونگی پرداختن به فعالیت‌های فراغت بین نوجوانان و جوانان در شهر نهران» توسط سعادت شیخ و همکاران انجام شد. این پژوهش سؤالات زیر را مطرح و بررسی کرد:

نوجوانان و جوانان در شبانه‌روز حدوداً چند ساعت وقت فراغت دارند و وقت فراغت آنان بیشتر در چه ساعاتی از شبانه‌روز است؟

میزان پرداختن به فعالیت‌های مختلف فراغت از سوی نوجوانان و جوانان چگونه است؟ متغیرهایی نظیر جنس، سن، وضع تاهل و درآمد یا طبقه اجتماعی - اقتصادی در میزان اوقات فراغت نوجوانان و جوانان و چگونگی گذران آن تا چه حد مؤثر است؟

گذران روزهای تعطیل (جمعه) بین نوجوانان و جوانان به چه نحوی است؟

این تحقیق با روش پیمایشی در محدوده تهران بزرگ صورت گرفته است. جامعه آماری آن نوجوانان و جوانان ۲۹-۱۱ سال ساکن در محدوده تهران بزرگ و حجم نمونه آن معادل ۱۲۰۰ نفر بوده است. مهم‌ترین نتایج این تحقیق را به صورت زیر می‌توان جمع‌بندی کرد:

- ۱- جوانان مرد بیش از جوانان زن و افراد مجرد بیش از متأهلان به «بازی و ورزش» می‌پردازند.
- ۲- جوانان مرد بیشتر از جوانان زن و افراد مجرد بیشتر از متأهلان به سینما می‌روند که در این بین مردان مجرد معمولاً با دوستان و زنان و مردان متأهل بیشتر با افراد خانواده خود به سینما می‌روند. حدود ۲ درصد از جوانان به تئاتر می‌روند و ۹ درصد نیز از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها دهن می‌کنند.
- ۳- متوسط تماشای تلویزیون در روز حدود ۲ ساعت و نیم (۱۵۰ دقیقه) برآورد می‌شود که زنان به نسبت بیشتر از مردان به تماشای تلویزیون می‌پردازند.
- ۴- جوانان مرد نسبت به جوانان زن بیشتر روزنامه مطالعه می‌کنند و در مردان با بالا رفتن سن میزان مطالعه روزنامه افزایش می‌یابد. به علاوه جنس و تأهل افراد تأثیر چندانی در مطالعه مجله ندارد.
- ۵- افراد مجرد اعم از دختر یا پسر) به نسبت بیشتر از متأهلان و افراد با تحصیلات لیسانس و بالاتر به نسبت بیشتر از سایر گروه‌های تحصیلی دیگر به مطالعه کتاب می‌پردازند.
- ۶- مردان نسبت به زنان علاقه بیشتری به رفتن به پارک در اوقات فراغت خود دارند. متأهلان بیشتر وقت خود را به «نشستن و استراحت کردن» و مجردین بیشتر به «بازی و ورزش» می‌گذرانند.
- ۷- «دیدار خویشاوندان و دوستان» سهم مؤثری در گذراندن وقت فراغت نوجوانان و جوانان (اعم از مرد و زن) دارد.
- ۸- زنان نسبت به مردان بیشتر به انجام کارهای هنری (فعالیت‌های غیر حرفه‌ای) در زمان فراغت خود می‌پردازند.
- ۹- جوانان مرد بیشتر به نقاشی، خطاطی و نواختن آلات موسیقی و جوانان زن بیشتر به خیاطی، گوبلن‌دوزی و نقاشی علاقه‌مندند.
- ۱۰- جوانان مرد (به خصوص مجردان) بیشتر از جوانان زن بخشی از وقت فراغت خود را به «قدم زدن در خیابان‌ها و گردش در مراکز خرید و ایستادن سر کوچه و خیابان» می‌گذرانند.

همچنین سعادت شیخ و همکاران برای تکمیل این پژوهش در سال ۱۳۷۶، تحقیق «چگونگی پرداختن به فعالیت‌های فراغت بین نوجوانان و جوانان در جامعه شهری گروه ۲» را در سازمان ملی جوانان (معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی - دفتر مطالعات و تحقیقات) به انجام رساندند. این تحقیق نیز به روش پیمایشی انجام شده و جامعه آماری آن نوجوانان و جوانان ۱۱-۲۹ ساله جامعه شهری ایران و حجم نمونه در آن معادل ۳۰/۰۰۰ نفر بوده است. نمونه‌گیری احتمالی و ترکیبی از نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای بوده است.

بر اساس اطلاعات حاصل از اجرای این طرح در جامعه شهری گروه ۲ (شهرهایی که بعد از مراکز استان‌ها از امکانات فراغتی بیشتری برخوردارند) به اجمال می‌توان گفت:

۱- رایج‌ترین شیوه‌های گذران اوقات فراغت در بین نوجوانان پسر و دختر عبارت‌اند از: تماشای تلویزیون، بازی و ورزش، مطالعه کتاب، دیدار با خویشاوندان و دوستان، استراحت، دراز کشیدن و صحبت با افراد خانواده و انجام کارهای هنری. این فعالیت‌ها از سوی حداقل نیمی از نوجوانان، به عنوان فعالیت‌های اوقات فراغت عنوان شده‌اند.

۲- فعالیت‌هایی که در گذران وقت فراغت نوجوانان در مرتبه دوم اهمیت قرار دارند عبارت‌اند از: رفتن به پارک، گوش دادن به رادیو، زیارت اماکن مقدسه، اهل قبور و مزار شهدا، گوش دادن به نوار موسیقی، تماشای مسابقات ورزشی، مطالعه مجله، شرکت در برنامه‌های مساجد، هیئات مذهبی و مراسم دعا، مطالعه روزنامه، گوش دادن به نوار مذهبی، رفتن به سینما، قدم زدن در خیابان و گردش در مراکز خرید و رفتن به مناطق خوش آب و هوا.

۳- از میان فعالیت‌های یاد شده بازی و ورزش، رفتن به سینما، شرکت در برنامه‌های مساجد، هیئات مذهبی و مراسم دعا، تماشای مسابقات ورزشی، رفتن به پارک و قدم زدن در خیابان‌ها، در گذران وقت فراغت نوجوانان پسر سهم بیشتری دارند و در مقابل، استراحت، دراز کشیدن و صحبت با افراد خانواده و انجام کارهای هنری در گذران ساعات فراغت نوجوانان دختر بیشتر سهم دارند.

۴- از میان فعالیت‌های یاد شده، بازی و ورزش، تماشای مسابقات ورزشی، گوش دادن به نوار مذهبی، شرکت در برنامه‌های مساجد، هیئات مذهبی و مراسم دعا، مطالعه روزنامه و قدم زدن در خیابان‌ها در گذران وقت فراغت جوانان مرد بیشتر مؤثرند و پرداختن به انجام کارهای هنری بین جوانان زن بیشتر رایج است.

۵- به رغم تنوع فعالیت‌های اوقات فراغت نوجوانان و جوانان، چنانچه سهم زمانی فعالیت‌ها در گذران فراغت، مورد نظر واقع شود، «تماشای تلویزیون» با هیچ فعالیت دیگری قابل مقایسه نیست و می‌توان گفت تلویزیون در مقام یک وسیله ارتباط جمعی، در پر کردن وقت فراغت

نوجوانان و جوانان موقعیتی کاملاً ویژه دارد. به همین لحاظ کارکرد اوقات فراغت نوجوانان و جوانان در حد بالایی متأثر از کارکرد این رسانه است.

چنانچه «طبیعت» فعالیت‌های یاد شده در نظر گرفته شود، مشاهده می‌گردد که سهم عمده با فعالیت‌هایی است که فرد (نوجوان یا جوان) تقریباً در وضعیت «منفعل» و «نرپذیر» قرار دارد و پرداختن به فعالیت‌هایی که حضور «فعال» فرد را می‌طلبد، با استقبال کمتری همراه است.

سعادت شیخ و همکاران همچنین در سال ۱۳۷۹، پژوهش دیگری با عنوان «چگونگی گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان شهری در فصل تابستان»، در سازمان ملی جوانان (معاونت مطابقت و برنامه‌ریزی - دفتر مطالعات و تحقیقات) به انجام رساندند که بر مبنای داده‌های این پژوهش درباره چگونگی گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان جامعه شهری در فصل تابستان، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد:

۱- از بین فعالیت‌های گوناگونی که در گذران وقت فراغت نوجوانان در فصل تابستان نقش دارند «تماشای تلویزیون»، «دیدار خویشاوندان و دوستان»، «بازی و ورزش»، «مطالعه کتاب»، «رفتن به پارک و مجموعه‌های تفریحی»، «صحبت با افراد خانواده»، «استراحت و دراز کشیدن» و «انجام کارهای هنری» سهم بارز و نقش مهمی دارند.

۲- فعالیت‌های دیگری که در مرتبه اهمیت بعدی جای دارند عبارت‌اند از: «گوش دادن به رادیو»، «گوش دادن به نوار موسیقی»، «شرکت در برنامه‌های مساجد، هیئات مذهبی و مراسم دعا»، «گوش دادن به نوار مذهبی»، «مطالعه مجله»، «مطالعه روزنامه»، «رفتن به سینما» و «قدم زدن در خیابان‌ها، گردش در مراکز خرید و ایستادن سرکوچه و خیابان».

۳- از فهرست فعالیت‌های عنوان شده، «بازی و ورزش»، «رفتن به سینما»، «تماشای ویدئو»، «شرکت در پایگاه‌های بسیج»، «شرکت در برنامه‌های مساجد، هیئات مذهبی و مراسم دعا»، «مطالعه روزنامه» و «قدم زدن در خیابان‌ها و ایستادن سرکوچه و خیابان» در گذران وقت نوجوانان و جوانان مرد نقش بیشتری دارند و در مقابل «مطالعه کتاب» و «انجام کارهای هنری» در سپری شدن ساعات فراغت نوجوانان و جوانان زن سهم بیشتری دارند.

۴- سراف زمان تماشای تلویزیون در یک شب و روز بین نوجوانان دختر نسبت به نوجوانان پسر در حد قابل ملاحظه‌ای بیشتر است (به ترتیب ۲۲۷ دقیقه؛ ۱۹۰ دقیقه). همچنین جوانان زن در مقایسه با جوانان مرد، وقت بیشتری را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند (به ترتیب ۲۰۷ دقیقه و ۱۵۲ دقیقه).

۵- سهم «بازی و ورزش» در گذران وقت فراغت جوانان پسر و دختر بسیار متفاوت است و به طور متوسط هر نوجوان پسر دو برابر نوجوان دختر در روز وقت خود را صرف بازی و ورزش

- می‌کند (دختر ۶۴ دقیقه، پسر ۱۲۹ دقیقه). این تفاوت بین جوانان مرد و زن از میزان یاد شده هم بیشتر است و به سه برابر می‌رسد (جوانان مرد ۶۸ دقیقه و جوانان زن ۲۱ دقیقه).
- ۶- در بین بازی‌ها و ورزش‌های مورد علاقه نوجوانان پسر «فوتبال» از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که ۸۶ درصد نوجوانان پسر از آن به عنوان بازی مورد علاقه خود یاد کرده‌اند. در عین حال می‌توان از «شنا» و «دوچرخه‌سواری» به عنوان ورزش‌های مورد علاقه درصد قابل توجهی از جوانان پسر یاد کرد.
- ۷- ورزش‌ها و بازی‌ها مورد علاقه نوجوانان دختر بیشتر «والیبال» و «طناب‌بازی» است.
- ۸- در بین جوانان مرد نیز «فوتبال» بیش از هر بازی دیگر مورد توجه و علاقه افراد است و اصولاً دیگر بازی‌ها و ورزش‌های مورد علاقه جوانان مرد با فوتبال قابل مقایسه نیست.
- ۹- در بین جوانان زن «والیبال» بیش از هر ورزش دیگری طرفدار دارد، ضمن اینکه «طناب‌بازی» و «بدن‌سازی» نیز مورد علاقه درصد قابل ملاحظه‌ای از جوانان زن است.
- ۱۰- شایان توجه است که محل بازی و ورزش نوجوانان پسر، عمدتاً «کوچه و خیابان» و مکان بازی و ورزش نوجوانان دختر «خانه» است. این مطلب در مورد مکان بازی و ورزش جوانان زن صادق است. اما در مورد جوانان مرد علاوه بر «کوچه و خیابان» از «باشگاه» و سایر مکان‌های ورزشی یاد شده است. این اطلاع به وضوح از کمبود مکان‌های ورزشی ویژه نوجوانان و نیز کمبود فضاهای ورزشی ویژه جوانان زن حکایت می‌کند.
- ۱۱- «گوش دادن به نوار موسیقی» نیز از جمله شیوه‌های گذران وقت فراغت نوجوانان و جوانان است که سهم زمانی قابل توجهی دارد. یافته تحقیق نشان می‌دهد که سرانه زمان گوش دادن به نوار موسیقی در هر شب و روز بین نوجوانان ۲۷ دقیقه و بین جوانان ۴۴ دقیقه است. این زمان در مورد نوجوانان دختر نسبت به نوجوانان پسر کمی بیشتر است (به ترتیب ۳۱ دقیقه و ۲۴ دقیقه) لیکن در بین جوانان مرد و جوانان زن از این نظر تفاوتی وجود ندارد.
- ۱۲- نوع موسیقی مورد علاقه نوجوانان بیشتر موسیقی اصیل ایرانی، نوارهای خوانندگان قبل از انقلاب، موسیقی محلی و موسیقی شاد است، ضمن اینکه علاقه به موسیقی اصیل ایرانی و موسیقی محلی بین نوجوانان پسر بیشتر است و علاقه به نوارهای خوانندگان قبل از انقلاب و موسیقی شاد، بین نوجوانان دختر چشمگیرتر است.
- ۱۳- در بین جوانان نیز علاقه به نوع موسیقی به عامل جنس بستگی دارد. جوانان مرد بیشتر علاقه‌مند به موسیقی اصیل ایرانی‌اند، در حالی که بین جوانان زن، علاقه‌مندی به نوارهای خوانندگان قبل از انقلاب و موسیقی شاد، در حد قابل ملاحظه‌ای است.
- ۱۴- پرداختن به کارهای هنری، فعالیت دیگری است که سهم زمانی قابل ملاحظه‌ای در

گذران وقت فراغت نوجوانان و جوانان دارد. بر اساس یافته‌های تحقیق سرانه زمان پرداختن به کارهای هنری در هفته بین نوجوانان ۱۲۷ دقیقه و بین جوانان ۱۸۶ دقیقه است. سرانه یاد شده کاملاً به جنس افراد بستگی دارد و دختران و جوانان زن، به مراتب بیشتر از پسران و جوانان مرد، وقت صرف کارهای هنری می‌کنند (دختران ۱۹۴ دقیقه، پسران ۸۷ دقیقه، جوانان زن ۲۷۲ دقیقه جوانان مرد ۱۰۵ دقیقه).

۱۵- کارهای هنری مورد علاقه نوجوانان پسر، اغلب نقاشی و خطاطی است، اما آشنایی با انواع هنرها در بین نوجوانان دختر تنوع بیشتری دارد و به طور مشخص می‌توان از نقاشی، خیاطی، گلدوزی، بافتنی و کوبلن‌دوزی نام برد.

۱۶- آشنایی با انواع هنرها در بین جوانان نیز شبیه نوجوانان است. به علاوه اینکه آشنایی به عکاسی و فیلمبرداری و نواختن آلات موسیقی در بین جوانان مرد در حد قابل ملاحظه‌ای است.

۱۷- با اینکه درصد نسبتاً بالایی از نوجوانان و جوانان «مطالعه کتاب» را یکی از صورت‌های گذران وقت فراغت خود یاد کرده‌اند، سرانه زمان مطالعه کتاب در روز، رقم چندان بالایی نیست. یافته‌های تحقیق، سرانه یاد شده را بین نوجوانان دختر ۲۴ دقیقه و بین نوجوانان پسر ۱۹ دقیقه در روز نشان می‌دهد و در مورد جوانان نیز ارقام تقریباً به همین میزان است. کتاب‌های مورد علاقه نوجوانان در وهله اول «رمان و داستان» و درجه بعد، کتاب‌های «علمی، فنی و تخصصی» است. با وجود این، گرایش نوجوانان دختر به کتاب‌های «رمان و داستان» بیشتر است.

۱۸- در بین جوانان نیز گرایش عمده به «رمان و داستان» و کتاب‌های «علمی، فنی و تخصصی» است. ضمن اینکه بین ۱۰ تا ۱۵ درصد آنان به کتاب‌های «تاریخی» و «دینی، مذهبی» اظهار علاقه نموده‌اند. علاقه به «رمان و داستان» در بین جوانان زن نسبت به جوانان مرد، به طور محسوس بیشتر است و در مقابل علاقه به کتاب‌های علمی و تاریخی، بین جوانان مرد بیشتر به چشم می‌خورد. با ملاحظه «مکان» پرداختن به فعالیت‌های اوقات فراغت، سهم اصلی زمان فراغت به فعالیتهای داخل منزل اختصاص دارد. با توجه به ماهیت فعالیت‌های یاد شده مشاهده می‌گردد که سهم عمده با فعالیتهایی است که فرد (نوجوان یا جوان) تقریباً در وضعیت «منفعل» قرار دارد و پرداختن به فعالیت‌هایی که حضور «فعال» فرد را می‌طلبد، با استقبال کمتری همراه است.

در زمینه اوقات فراغت دختران جوان تحقیق دیگری با عنوان «شناخت و تبیین جامعه شناختی فعالیت‌های فرغتی دختران جوان با تأکید بر عوامل آسیب شناختی آن» توسط مریم شهیدی

زندگی در سال ۱۳۸۶ به اجرا درآمده که در آن محقق به مطالعه عوامل مؤثر در آسیب‌زا شدن اوقات فراغت دختران جوان دانشجو پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش، دختران تهرانی مقطع لیسانس دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ بود، و نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای انجام گرفته است.

بر اساس مدل نظری و نتایج به دست آمده، متغیرهای مستقل در دو گروه ویژگی‌های فردی و شرایط خانوادگی جای گرفته‌اند. بر اساس جداول دو بعدی و نتایج رگرسیونی، بین متغیرهای گرایش به خودآرایی، سبک خرید و مصرف، نگرش به رابطه با جنس مخالف، نوع استفاده از ماهواره و میزان پایبندی به دین با نحوه گذران اوقات فراغت همبستگی وجود دارد.

از میان عوامل خانوادگی، بین میزان کنترل و نظارت خانواده، میزان ارتباط عاطفی در خانواده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و میزان همراهی خانواده در گذران اوقات فراغت فرد با متغیر وابسته، همبستگی معناداری وجود ندارد. رابطه میزان اطلاع خانواده از نحوه گذران اوقات فراغت با متغیر وابسته - در تحلیل‌های رگرسیونی که در آن تأثیر سایر متغیرها کنترل شده - معنادار بوده است. بر اساس تحلیل‌های رگرسیونی، میزان اطلاع خانواده از نحوه گذران فراغت، نگرش به رابطه با جنس مخالف و گرایش به خودآرایی با نحوه گذران فراغت، رابطه معناداری را نشان داده‌اند؛ یعنی هرچه گرایش فرد به خودآرایی بیشتر، نگرش او به ارتباط با جنس مخالف مثبت‌تر، میزان اطلاع خانواده از نحوه گذران فراغت او کمتر و احتمال آسیب‌زا شدن اوقات فراغت در او بیشتر بوده است. بر اساس نتایج این تحقیق، تأثیر عوامل فردی بر نحوه گذران اوقات فراغت بیشتر از عوامل خانوادگی بوده و این امر احتمالاً ناشی از آن است که امروزه در اجتماعی شدن افراد از تأثیر خانواده کاسته شده و سایر نهادهای اجتماعی ز جمله رسانه‌های جمعی تأثیر بیشتری بر نگرش و رفتار فرد بر جای می‌گذارند. در نتیجه در نحوه گذران اوقات فراغت دختران جوان عواملی غیر از خانواده مانند رسانه و فضاهای تحصیلی، فرهنگ، سبک زندگی غربی که دائماً از طریق فناوری‌ها و محصولات مادی و غیر مادی از جمله مدها و فیلم‌ها و کالاهای فرهنگی به طور مستقیم یا غیر مستقیم تبلیغ می‌شود تأثیرگذار است.

۳- تحلیل مسائل فراغتی دختران جوان در ایران بر اساس مبانی نظری پژوهش

توجه به تفاوت‌های جنسیتی در نحوه گذران اوقات فراغت به ما کمک می‌کند تا بتوانیم نیازهای خاص فراغتی دختران جوان را بر اساس مقتضیات روحی، روانی و جسمانی آنان شناخته و جنبه‌های آسیب‌شناختی گذران اوقات فراغت را در این گروه با دقت بیشتری بررسی کنیم. در بسیاری از لایه‌های اجتماعی، هنوز خانواده ایرانی اوقات فراغت را به رسمیت نمی‌شناسد. با

ین همه خانواده در راهنمایی و هدایت جوانان، به خصوص دختران جوان در نحوه گذران صحیح اوقات فراغت نقش مهمی را ایفا می‌کند. به این ترتیب که خانواده، با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود امکانات متناسبی را برای گذران اوقات فراغت اعضای خود فراهم می‌آورد. در این میان، پدر و مادر با شناختی که از ویژگی‌های شخصیتی، استعدادها، خواسته‌ها و امیال، نقاط قوت و ضعف و روحیات فرزندان خود دارند، مراجع نسبتاً صحتی برای کمک به نحوه گذران صحیح اوقات فراغت فرزندانشان محسوب می‌شوند.

از طرف دیگر به نظر می‌رسد دختران جوان به علت وضعیت خاص بیولوژیکی، اجتماعی و عرفی جامعه ایران نیاز به برنامه‌های فراغتی متفاوت از برنامه‌های فراغتی پسران داشته باشند. خستگی مفرط و افسردگی علاوه بر کاهش کارایی در محیط کار و تحصیل، باعث تخریب روابط انسانی در حوزه‌های اجتماعی و خانوادگی می‌شود. این در حالی است که طبق آخرین بررسی‌ها، نسبت افسردگی زنان بیشتر از مردان است. ذاکری‌پور بر اساس تحقیقات و آمار اظهار داشته: «نسبت افسردگی زنان دو برابر مردان است» که یکی از دلایل مهم آن کمبود یا نبود فعالیت‌های فراغتی و تفریحی مطلوب زنان و دختران جوان به علت شرایط خاص جامعه است.

نگاهی به وضعیت کنونی زنان حاکی از آن است که آنان در عرصه‌های مختلف سعی کرده‌اند تا قابلیت خود را ثابت کنند. این موضوع در افزایش شصت درصدی دختران در پذیرش دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی به تمامی معلوم است. حضور فعال زنان در زمینه‌های علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی نشانه قابلیت بالای این گروه از جامعه است که مستلزم بررسی دقیق‌تر این جمعیت از لحاظ وضعیت اشتغال، آموزش، بهداشت و همچنین نیازها و فعالیت‌های مختلف است. چنین الزامی است که ما را به بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت دختران جوان و جنبه‌های آسیب‌زای آن دعوت می‌کند؛ چرا که آینده ایران بیش از پیش در دست زنان لایق و متعهدی است که خود را به سلاح علم مجهز کرده‌اند. دختران جوان امروز که زنان آینده ایران ما هستند، چه در نقش مادری، چه در نقش همسری و چه در نقش‌های اجتماعی خاصی که برای خود برمی‌گزینند، در کنار آموختن و تلاش، به اوقات فراغت برای تجدید قوا نیاز دارند و پژوهشگران در این زمینه می‌توانند نکات مهمی را روشن سازند که ضرورت پرداختن به آن روز به روز بیشتر احساس می‌شود.

تمایز در فراغت، در دل دیدگاه کلی جامعه درباره جنسیت قرار دارد و عوامل متعددی در این قشر بندی جنسیتی دخیل‌اند. مروری بر تحقیقات انجام شده در داخل کشور نشان داده است که میان تحصیلات و درآمد و نوع شغل با چگونگی گذراندن اوقات فراغت، رابطه مستقیمی وجود دارد.

(برازنده، ۱۳۷۷: ۵۸-۵۷)

به گفته آبوت و سپس‌فورد، تحلیل پاسخ‌های زنان مصاحبه‌شونده اثبات می‌کند که زنان

برای خود نوعی هویت طبقاتی قائل‌اند و این هویت را از روی شغل خود آنها یا ویژگی‌های شخصی و دوران دوشیزگی‌شان، مثل خاستگاه طبقاتی (که با شغل پدر تعیین می‌شود) و سطح تحصیلات‌شان بهتر می‌توان دریافت تا با استناد به شغل شوهر. (آبوت، ۱۳۸۵: ۴۷)

پایگاه اجتماعی و چگونگی گذراندن اوقات فراغت زنان و دختران با هم رابطه مستقیم دارد. در این زمینه، اشتباه خواهد بود اگر زنان را گروهی همسان بپنداریم، زیرا نابرابری‌های طبقاتی، نابرابری‌های جنسیتی را در ورزش و تفریح و اوقات فراغت تشدید می‌کند.

مطالعات مربوط به اوقات فراغت دختران جوان نتایج مهمی در بر دارد که شاخص‌ترین آنها تفاوت در میزان و کیفیت اوقات فراغت دختران جوان نسبت به پسران است - شاید بزرگ‌ترین نقد بر حوزه جامعه‌شناسی اوقات فراغت، همسان‌پنداری دختران و پسران جوان در این زمینه باشد.

با این همه، در دهه‌های اخیر، بروز برخی دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی سبب شده که زنان و دختران از حصار محدود خانه وارد فضای عمومی شوند. طبق نظر لس‌هی وود، طبقه، درآمد و تحصیلات، پاره‌ای از محدودیت‌هایی را که جامعه سنتی بر فرصت‌های اوقات فراغت زنان تحمیل می‌کند، کاهش داده است. (لس‌هی وود و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۷۶) در هر حال، این تغییرات، حضور زنان در عرصه‌ها و فضاهای شهری را اجتناب‌ناپذیر ساخته و نحوه ساماندهی شهری را دگرگون می‌سازد. با دگرگونی تدریجی سبک زندگی، زنان و دختران جوان، برای سلامت، سرگرمی و فعالیت‌های فراغتی برون‌خانگی اهمیت بیشتری قائل می‌شوند. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری به ویژه در اقشار متوسط از شکل انفعالی و درون‌خانگی به شکل فعالانه و برون‌خانگی میل می‌کند که این موضوع در شهر تهران بیشتر به چشم می‌خورد، (شهیدی، ۱۳۸۶) اما با محدودیت‌ها و موانعی که امروزه برای حضور دختران در غالب فضاهای عمومی شهری وجود دارد، به نظر می‌رسد فراغت این قشر، می‌تواند از بیرون، به مکان‌های سرپسته‌ای که آسیب‌های بیشتری در پی دارد کشانده شود و در این راستا سیاست‌های فرهنگی معطوف به فضاهای فراغتی می‌تواند گذران فعالانه و خلاقانه و غیر آسیب‌زای اوقات فراغت دختران جوان را بارور سازد. (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶)

تمایل جوامع امروزی به شیوه‌های زندگی متجددانه و مدرنیسم غربی به بروز بحران‌های دامن‌داری در میان اقشار و طبقات گوناگون جوامع در حال توسعه دامن می‌زند. در این میان، نقش‌های زنان و دختران و انتظارات متفاوت و متعددی که جامعه از آنها دارد، آنان را دچار نوعی دوگانگی و تضاد نقشی می‌کند که این خود می‌تواند زمینه‌ای برای بروز آسیب‌های مختلف اجتماعی گردد.

در تعریف آسیب‌های اجتماعی، جامعه‌شناسان به سختی قادرند مرزهای تثبیت شده هنجارهای فرهنگی جامعه را بازگو کنند؛ ولی مسلم است که گر هنجار اجتماعی تثبیت شده‌ای توسط فرد نادیده گرفته شود، آنگاه کز رفتاری به وجود می‌آید و چنانچه در جامعه‌ای هنجارهای اجتماعی مراعات نشود، کجروی و رفتار آسیب‌زا پدید می‌آید.

در بحث اوقات فراغت، آسیب‌ها بیشتر به اعتیادها باز می‌گردد و بعضی رفتارها تا زمانی که به صورت عادت در نیاید، جنبه آسیبی ندارد؛ به عنوان مثال، اعتیاد اینترنتی یا اعتیاد به همراهی همیشگی با دوستان به حدی که فرد را از حوزه‌های کار و خانواده دور کند. (صیادی فر، به نقل از سعیدی، ۱۳۸۵: ۸)

طراحی فضاهای شهری نقش مستقیمی در کنترل پذیری اوقات فراغت دارند و بدین وسیله محیط مناسبی برای گذران اوقات فراغت جوانان به ویژه دختران جوان ایجاد می‌کنند. کلارک و کریچر ضمن تأکید بر تفریحات شایسته و در خور دختران جوان، فعالیت‌های تفریحی آنان را فعالیت‌هایی می‌دانند که در زمان و مکان مشخص انجام می‌شود و با نقش‌های اجتماعی دختران جوان قابل تطبیق است. (Clark and Critcher, 1985:160)

امروزه فراغت برون خانگی دختران جوان و تمایل آنها به سبک‌های جدید زندگی نشان دهنده دگرگونی ارزش‌ها و پیدایش مسائل هویتی در آنان است و در این برهه، امکان حضور سالم و مناسب در این فضاها می‌تواند بسیاری از آسیب‌های شخصیتی و از جمله فراغت‌های آسیب‌را را در آنان کاهش دهد. از طرف دیگر، سیاست‌های فرهنگی معطوف به فضاهای فراغتی می‌تواند گذران فعالانه و خلاقانه و غیر آسیب‌زای اوقات آزاد دختران جوان را غنی‌تر سازد. (رفعت جاه، ۱۳۸۶: ۹-۷)

اما گرایش‌ها و دیدگاه‌های ترفی - مذهبی حاکم بر جامعه ایران، محدودیت‌هایی را برای زنان و دختران، در نحوه و مدت گذراندن اوقات فراغت، چه خارج از منزل و چه در داخل منزل در بر دارد و این امر در مورد دختران به شکل صلاح‌دید خانواده در کنترل دوستان یا تعیین زمان فراغت یا مکان آن، اعمال می‌شود و بر کنشگری که آزادانه به دنبال انتخاب برنامه‌ای برای گذراندن اوقات فراغت خود است، تأثیر نامطلوب می‌گذارد. عدم رضامندی حاصل از این موضوع، خود می‌تواند آسیب‌هایی را به دنبال داشته باشد. (اشفیعی، ۱۳۸۳: ص ۱۵۳)

این موضوع مؤید حساسیت بسیار زیاد تأثیر نهاد خانواده بر بحث آسیب‌زایی اوقات فراغت است؛ به خصوص که اوقات فراغت، در دوران جوانی دارای اهمیت زیادی بوده و جوان مایل به برقراری ارتباط با دیگران، به ویژه همسالان است و اگر نهاد خانواده در این زمان به درستی عمل نکند - با محدودیت زیاد یا با عدم توجه - می‌تواند تأثیرات نامطلوب و جنبه‌های آسیب‌زایی را

در گذران اوقات فراغت جوانان بر جای نهد. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۰: ۵۱) در این زمان، هر چه عدم پذیرش والدین نسبت به فرزند زیاد باشد یا مراقبت و کنترل والدین افراطی یا با ناهماهنگی و عدم تداوم همراه باشد و نیز چنانچه محیط خانوادگی با ناسازگاری قرین باشد، گرایش‌های پرخاشگرانه جوان و نوجوان رو به افزایش می‌گذارد و احتمال کجرو شدن او فزونی می‌گیرد. (محمدی، ۱۳۸۳: ۶۷)

بر پایه نتایج پژوهش‌هایی در این زمینه، از میان عوامل مؤثر بر کجروی و آسیب‌های اجتماعی دختران جوان، نقش خانواده، شدت وابستگی مذهبی و اجتماعی و فقر اقتصادی و فرهنگی از همه مهم‌ترند. (همان: ۶۸)

۴- نتیجه‌گیری

نحوه گذران اوقات فراغت جوانان از طرفی با عوامل فردی چون ارزش‌ها و نگرش، خود پنداره و میزان پایبندی به دین و از طرف دیگر، با شرایط خانوادگی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و شبکه روابط اجتماعی آنان ارتباط دارد. لذا بالا بردن میزان آگاهی و اطلاعات والدین برای برقرار کردن ارتباط دوستانه و صحیح با نوجوانان و جوانان - به طوری که والدین را دوست خود بدانند و بتوانند در زمان مواجهه با مشکلات به راحتی مسائل و مشکلات خود را با آنها در میان بگذارند - بسیار ضروری است. برای تحقق این هدف، والدین می‌توانند از طریق رسانه‌های جمعی، دوره‌های آموزشی، مطالعه در شیوه‌های تربیتی و مشاوره با روانشناسان و کارشناسان مربوط، در جهت تربیت شایسته فرزندان خود و پربار کردن اوقات و فعالیت‌های روزمره آنان گام‌های مؤثری بردارند.

از آنجا که پایه اصول اخلاقی جوانان در دوران کودکی، نوجوانی و بلوغ گذاشته می‌شود، مسائل تربیتی باید از دوران کودکی مورد توجه خانواده‌ها قرار گیرد - به همین علت بر ارتباط سالم و پویا بین افراد خانواده تأکید زیادی شده است.

بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناختی و پژوهش‌های انجام شده اخیر (رفعت‌جاه، ۱۳۸۳ و شهیدی، ۱۳۸۶) ارزش‌ها و نگرش‌ها بیشترین تأثیر را در جلوگیری از آسیب‌های فراغتی نشان داده است. از این رو، شایسته است ارزش‌های اخلاقی و مذهبی در جریان اجتماعی با روشی استدلالی، غیرآمرانه و عاری از تعصب به نوجوانان منتقل و در آنان نهادینه گردد. تکیه بر این اصول اخلاقی و اعتقادی سبب مصونیت نسبی دختران جوان در برابر آسیب‌های اجتماعی و به خصوص آسیب‌های فراغتی می‌شود.

از طرف دیگر، با توجه به اینکه در هر حال، امروزه فراغت دختران جوان ز شکل درون خانگی به اشکال برون خانگی گذران فراغت میل کرده، باید در برنامه‌ریزی‌های شهری برای حضور

بایسته زنان و دختران در عرصه اجتماع، فضاهای فراغی مناسبی پیش‌بینی و احداث شود. فضاها را می‌توان به فعالیت‌های ورزشی، هنری و تفریحی اختصاص داد و نظارت آموانه بر فضاهای شهری را به خصوص در مورد نحوه حضور زنان و دختران جوان در این فضاها تعدیل کرد تا بدین وسیله از گشاده شدن آنان به مراکز خرید و مصرف و فضاهای سر بسته و ناامن به احتمال گذران آسیب‌زای اوقات فراغت در آن بی‌تراسته، پیشگیری شود. رفع نگرش‌های جنسیتی تبعیض‌آمیز و بهره‌مندی دختران از اوقات فراغتی فرح‌بخش و سازنده، آثار فردی و اجتماعی مهمی دارد که این امر جز با کار فرهنگی وسیع در سطح خانواده و نیز در سطح سایر فوهای اجتماعی میسر نمی‌شود.

۲۱- پایت

۲۲- پایت
۲۳- پایت

۲۴- پایت
۲۵- پایت

۲۶- پایت
۲۷- پایت

۲۸- پایت
۲۹- پایت

۳۰- پایت
۳۱- پایت

۳۲- پایت
۳۳- پایت

۳۴- پایت
۳۵- پایت

۳۶- پایت
۳۷- پایت

۳۸- پایت
۳۹- پایت

۴۰- پایت
۴۱- پایت

۴۲- پایت
۴۳- پایت



رساله جامع علوم انسانی

۱. آبوت، پاملا (۱۳۸۵) **جامعه‌شناسی زنان**. منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی
۲. آدورنو، تئودور (۱۳۷۹) **«اوقات فراغت»**. جمال آل احمد. دو فصلنامه زیبا شناخت. شماره ۳.
۳. استریناتی، دومینیک (۱۳۸۴) **«مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه»**. ثریا پاک نظر. چاپ دوم. تهران: گام نو، چ ۲.
۴. دومازیه، ژوفر (۱۳۵۲) **«مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی فراغت»**. علی اسدی. فرهنگ و زندگی. شماره ۱۲.
۵. دو مازیه، ژوفر (۱۳۵۲) **«زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه»**. م، آدینه. فرهنگ و زندگی. شماره ۱۲.
۶. رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۶) **«قدرت، جنسیت و فراغت»**. سمینار معماری کلان اوقات فراغت در تهران. دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۷. رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳) **«زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»**. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۸. ستوده، هدایت ا... (۱۳۸۲) **آسیب‌شناسی اجتماعی**. تهران: آوای نور
۹. سلگی، محمد و صادق‌پور، بهرام و همکاران (۱۳۸۲) **بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان**. تهران: انتشارات اهل قلم
۱۰. شفیعی، سمیه سادات (۱۳۸۳) **«میزان رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت»**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۱. شهیدی، مریم (۱۳۸۶) **«مطالعه جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر در آسیب‌های فراغتی دختران جوان»**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
۱۲. فاضلی‌نیا، فرزانه (۱۳۸۰) **«نقش خانواده و مدرسه در آسیب‌زایی اجتماعی»**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
۱۳. فکوهی، ناصر و انصاری مهابادی، فرشته (۱۳۸۲) **«اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی»**. نامه انسان‌شناسی.
۱۴. کوزر، لیونیس (۱۳۸۰) **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
۱۵. کوهستانی، حسینعلی و خلیل‌زاده امینیان، علی‌اصغر (۱۳۷۸) **پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌وری از آن**. مشهد: تیهو

۱۶. محمدی، زهرا (۱۳۸۳) بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه (۸۰-۱۳۷۰). تهران: نشر روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان

۱۷. هی وود، لس و همکاران (۱۳۸۰) اوقات فراغت. محمد احسانی. تهران: نشر امید دانش

18- Hargreaves, J. (1989) *The Promise and Problems of Women's Leisure and Sport in Chris Rojek*. London: sage

19- Green . E , Hebron, S. & Woodward, D. (1990) *Women's leisure what leisure* Basingstoke: Macmillan



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی